مخدوش شدن اعتماد ملت به دولت

اشـرف بروجردی، مدیر کل دفتر امور اجتماعی وزارت کشور دولت اصلاحات گفت: هم اکنون در دوره انتخابات دهم با روند کاری دولتمران دولت نهم اعتماد ملت به دولت مخدوش شد و دولت نهم موجب ایجاد احسـاس تنفر جوانان ما نسبت به مسوولان شده و نگرانی‌هایی در این زمینه وجود دارد.

واکنش به نهضت ضداشرافی‌گرایی

عشرت شایق، اهانت به رئیس جمهور را نشـانه عجز رقبـا در مقابل منطق احمدی نـژاد و واکنشـی به نهضت جدید ضد اشرافی گرایی و رستاخیز اسـلامی علیه زراندوزان و زورمداران دانست و گفت: دروغگو و خیال پرداز خواندن رئیـس جمهـور توهین به شعورملت ایران است.

مشکلی با قهر کردن حل نمی‌شود

سیدرضا نوروززاده قائم‌مقام ستاد انتخاباتی کروبی که راه بهبود اوضاع را مشارکت در انتخابات می‌داند،ادامه داد:اگر چنانچه مردم در انتخابات شرکت نکنند، مشکل‌شان با قهرکردن حل نمی‌شود. امیدواریم نشاطی کـه وجود دارد در چند روز آینده بیشـتر شود تا شـاهد حضور حداکثری واجدین شرایط در انتخابات باشیم.

گفت‌وگو با تقی رحمانی

مهدی کروبی صف‌شکن شده است

■ چنـدی قبل آقای مهندس سـحابی در نشسـت دفتر تحکیـم وحدت اعـلام کردند که جریان ملـی - مذهبی در ایـن انتخابات کاندیدای مشـخصی ندارد امـا از هر دو کاندیدای جریان اصلاحات حمایت و مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب می‌کند. چند روز بعد اما مهندس سحابی در گفت‌وگویی از یکی از کاندیداهای اصلاح‌طلب حمایت کردند. به عنوان اولین سوال می‌خواهم بدانم جریان ملی - مذهبی در این دوره انتخابات چه مسـیری را طی کرد و جمع‌بندی نهایی این جریان چه بود؟

در جمع‌بنـدی نهایی شـورای فعـالان جریان ملی - مذهبی مشـارکت در انتخابات و حمایـت از کاندیداهای اصلاح‌طلب صددرصد رای آورد اما هیچکدام از کاندیداهای اصلاح‌طلب نتوانست حدنصاب لازم یعنی دو سوم شورای فعالان ملی - مذهبی را به دست آورد و بنابراین مصوب شد که افراد، هرکدام به صورت شخصی می‌توانند از یک کاندیدا حمایت کنند بدون اینکـه کاندیدای دیگر اصلاح‌طلب را تخریب کنند.

■ پس اکنون باید موضع‌گیری هرکدام از چهره‌های ملی - مذهبی در حمایت از یک کاندیدای خاص را موضع‌گیری و نظر شخصی آنها قلمداد کنیم؟

ببینید مصوبه شورای فعالان ملی - مذهبی شرکت در انتخابات به علت عملکرد نامناسب دولت نهم بود چراکه عملکرد چهارساله گذشته و تداوم آن را برای کشور بسیار خطرناک ارزیابی می‌کنیم. با این‌همه جریان ملی - مذهبی از همان ابتـدا بر این نظر بود که اصلاح‌طلبان باید با یک کاندیدا در انتخابات حاضر شوند تا آرا نشکند. اما این اتفاق نیفتاد و اکنون شاید بتوان حمایت‌های انفرادی روشنفکران و فعالان سیاسی از کاندیداها را به نوعی تنبیه اصلاح‌طلبان قلمداد کرد.

■ شما می‌گویید که جریان ملی - مذهبی متمایل به معرفی یک کاندیدای اصلاح‌طلب بود. آیا این جریان برای دستیابی به این هدف و مطلوبی که در ذهن داشت تلاشی هم انجام داد و با گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب رایزنی و مذاکره هم کرد؟

باید قبول کنیم که گروه‌های سیاسی درون حاکمیت در مجموع قائل به خـودی و غیرخودی کردن چهره‌ها و جریان‌های سیاسـی هسـتند و عمـلا در برنامه‌ریزی و تصمیم‌های خود این نـگاه را اعمال می‌کنند. این تجربه که چهارسـال قبل جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر پا نگرفت کاملا نشـان‌دهنده غالب بودن چنین نگاهی در میان گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب است، آنها معمولا خط قرمزهای جناح مقابـل خود درباره ملی مذهبی را رعایت می‌کنند. بدین ترتیب اگرچه در مواقعی همچون انتخابات جریان ملی - مذهبی از سوی این گروه‌های مورد تمجید قرار می‌گیرد اما در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده نمی‌شود. این نوع مواجهه متاسفانه تبدیل به یک قاعده شده و برخی از گروه‌های سیاسی نزدیک به حاکمیت آن را صریحا عمل و اعلام می‌کنند و برخی دیگر هم به صورت پیچیده با این قاعده مواجه می‌شوند.

■ پس چرا بـا وجود حاکم بودن نگاه خودی و غیرخودی و بازی ندادن چهره‌های ملی - مذهبی در تصمیم‌سـازی‌ها باز هم دوستان ملی - مذهبی از کاندیداهای این گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در انتخابات‌ها حمایت می‌کنند؟

در میـان چهره‌های بزرگ و اصلـی ملی - مذهبی و همچنین نهضـت آزادی این دیدگاه وجود دارد که منافع ملی جامعه ایران بر منافع فـردی تقدم دارد. آنان انقلاب ایـران را «نازک آرای تن سـاقه گلـی» می‌دانند که خود پرورده و با چشم خود به آن آب داده‌اند اما اکنون آن را در دست دیگران می‌بینند. آنها معتقدند که این کودک را باید به سمت دموکراسی هدایت کرد و حتی اگر کودک آنها در دست خودشان نیست تلاش می‌کنند تا دایه مناسبی آن را در اختیار بگیرد و به سمت دموکراسی هدایت کند. این احساس در میان نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی خیلی پررنگ اسـت و همین احسـاس است که گاهی به صـورت حمایت‌های بدون قید و شـرط آنها از چهره‌ها و نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب نمایان می‌شود چراکه آنها این مسیر را تنها راه سربه‌راه کردن آن کودک می‌دانند.

■ با توجه به اینکه نیروهای ملی - مذهبی موظف شده‌اند که به صورت شخصی مواضع انتخاباتی خود را اعلام کنند می‌خواسـتم بدانم که گرایش شخص شما با توجه به نوع شـعارها و اعلام برنامه‌های کاندیداهای انتخابات ریاست جمهـوری به سـمت کدامیـک از کاندیداهاسـت و کدام برنامه‌ها و شـعارها را بـرای آینده ایران مطلـوب ارزیابی می‌کنید؟

مـن چند ماه قبـل در گفت‌وگـو با همیـن روزنامه اعتمادملی مختصات یک رئیس‌جمهور خوب را برشمردم و گفتم که به گمان من رئیس‌جمهور یک فرد اجرایی است و لزوما نباید روشنفکر باشد. او باید در وهله اول توان مدیریت هماهنگ‌کننده داشته باشد و به عنوان یک مشاور بزرگ عمل کند. معتقد نیستم که رئیس‌جمهور باید همه چیز را بداند.

■ اما این سالها این بحث بسیار مطرح شده که رئیس‌جمهور باید چهره‌ای دانشگاهی و روشنفکر باشد و تاحدودی هم این ایده از سوی جامعه استقبال شده است؟

برخـی می‌گویند که رئیس‌جمهور بایـد به همه امور مسلط باشـد اما من چنین اعتقادی ندارم و می‌گویم که رئیس‌جمهور تنها یک مدیر اجرایی است. این مدیر اجرایی باید توانایی هماهنگ کردن نیروهای مختلف با یکدیگر را داشته باشد. به نظر من دکتر مصدق این توانایی را داشت و در مقطعی از تاریخ ما حتی انسان‌های نه‌چندان دموکرات همچنین ویژگی‌ای داشته‌اند. من با چنین دیدگاهی درباره رئیس‌جمهور و نیز توجه به تجربه دولت اصلاحات است که تصمیم سیاسـی‌ام را گرفته‌ام. مضاف بر این ما با عملکرد شورای نگهبان مواجه هستیم کـه کاندیداهـا را ردصلاحیت می‌کند و در همیـن انتخابات ریاسـت جمهوری هـم تمام داوطلبین رد صلاحیت شـدند و تنها چهارنفر آن هم به دلیل حضور در سـاختار قدرت تایید صلاحیت شدند. با همه اینها در جامعه ایران اکنون نوعی اجماع میان مردم و حتی روشنفکران و جریان‌های سیاسی ایجاد شده است تا با شـرکت در انتخابات روند فعلی اداره کشور را تغییر دهند. بنابراین اکنون وجه سلبی قضیه که رای نیـاوردن مجدد آقای احمدی‌نژاد اسـت غالب شده. اما من توجه‌ام را بعد از این وجه سلبی می‌خواهم بر وجه ایجابی بگذارم و ببینم کدام کاندیدا برای دوره بعد از این سلب کردن برنامه ارائه داده است.

■ پس شـما به دنبال وجه ایجابی رای دادن به یک کاندیدا هسـتید. در این وجه چه مشـخصاتی برای انتخاب شـما اهمیت بیشتری دارد؟

در این زمینه به نظرم سـه نکته مهم اسـت.نکته اول برنامه‌محوری است. نگاه من در سال‌های گذشته مبتنی بر تقویت جامعه مدنی بوده است و معتقدم که دولت‌محوری درد دیرینه جامعه ماسـت. متاسفانه هنوز اکثر گروه‌های اپوزیسیون و پوزیسیون ما و حتی روشنفکران ما دولت‌محور هستند و گمان می‌کنند که با اصلاح حکومت‌ها همه چیز درسـت می‌شود. من چنین اعتقادی ندارم و حداقل چهار سال است که قطعا چنین دیدگاهی ندارم. این دیدگاه وقتی در سال ۷۹ در زندان انفرادی بودم در ذهنم غالب شد و بعد از بن‌بست اصلاحات به آن معتقد شدم. پس برای من مهم این است که چه کاندیدایی مطالبات را مصداقی و معیاری مطرح کرده است. چهارسال است که مطالبات زنان و اقوام و اصناف در ایران مطرح می‌شود و اگر کاندیدایی برنامه‌ای ارائه کند که این مطالبات در آن گنجانده شده باشد خواه ناخواه به او امتیاز مثبت می‌دهم. توجه کنید که نیروهای ملی - مذهبی در دی‌ماه گذشته بیانیه مطالبه‌محوری خود را به عنوان پیشـنهادی برای انتخابات ریاست جمهوری مطرح کردند و بعد از آن بیانیه یک موج مطالبات محوری میان روشنفکران و چهره‌های سیاسی بلند شد در جریان تبلیغـات انتخاباتی از زنان و دانشـجویان گرفته تا اقوام و اصناف همه مطالبات خـود از کاندیداها را بیان می‌کنند. با توجه به این مساله کاندیدایی که زودتر به این مطالبات پاسـخ داد آقای مهدی کروبی بود و با این پاسخ‌ها ایشان صف‌شـکن شـد و فضا را مهیا کرد تا سایر کاندیداها هم دربـاره این مطالبات برنامه بدهند تاجایی که اکنون آقای محسن رضایی از سیستم مدیریت غیرمتمرکز و فدراتیو دفـاع می‌کند، مسـاله‌ای که اگر قبلا دربـاره آن صحبت می‌شد جرم به حساب می‌آمد. امروز در سخنان کاندیداها مسـائلی مطرح می‌شـود که قبلا گوینده آنها را به عنوان اقدام علیه امنیت ملی به زندان می‌انداختند. مساله دوم این است که فردی که دارای دید مدنی است و جامعه‌محوری را بر دولت‌محوری ترجیح می‌دهد مسلما به اجرایی شدن مطالبات هم می‌اندیشد و مساله مهم هم نحوه اجرا شدن این مطالبات است. به نظر من آقای کروبی از همان ابتدا یک تیم بوروکرات در چارچوب و توانایی حاکمیت فعلی برای اجرایی شدن مطالبات معرفی کرده است. وجه ممیزه و برتر معرفی تیم این است که مثلا دیگر همچون دولت خاتمی همه خواهان سهم نمی‌شوند. معرفی تیم نشان‌دهنده این است که رئیس‌جمهور تفکری خاص دارد و دیگران هم از همان ابتدا می‌توانند تکلیف خود را روشن بدانند. بنابراین تیم محوری در ساختار حاکمیتی که به خودی و غیرخودی معتقد است، عنصری مثبت است.

■ به نظر شـما چقـدر تیم همـراه آقای کروبی توانسـته اولویت‌هـای امـروز جامعه ایران را نشناسـد و شـعارها و وعده‌های خود را در چارچوب و مبتنی با این خواسـته‌ها ارائه کند؟

مسـاله مهم این اسـت که فاز جامعه ما چیست؟ آیا دموکراسـی اصل اسـت؟ من معتقدم که جامعه ما هنوز تا رسـیدن به دموکراسـی راه زیادی دارد چراکه ما هنوز نمی‌توانیم انتخاب شـویم و تنها انتخاب می‌کنیم. آیا یک نیـروی ملی - مذهبی که در انقلاب هم موثر بود می‌تواند کاندیدای انتخابات شود؟ هنوز زن‌ها نمی‌توانند کاندیدای ریاسـت جمهوری شوند. پس هنوز دموکراسی فاز جامعه ما نیست. پس پرسش بعدی این است که آیا عدالت مساله جامعه ما اسـت؟ بازهم من معتقدم که تا وقتی خودی و غیرخـودی ملاک اسـت بازهم نمی‌توان شـاهد تحقق عدالت در جامعه بـود. پس وقتی هنوز در وضعیت پیش از دموکراسـی قرار داریم در عمل نمی‌توانیم حق خود را طلب کنیـم. بنابراین من معتقدم که مسـاله و فاز امروز جامعه ما تقویت نهادهای مدنی اسـت. با تقویت نهادهای مدنی می‌توان سـاخت قدرت را وادار بـه واگذاری امتیاز کرد و نیرویی متشـکل تشـکیل داد تا در آینده بتواند از رای خود صیانت کند. با چنین دیدگاهی است که معتقدم کاندیدایی بیشتر مورد عنایت است که بتواند زمینه تقویت جامعه مدنی را فراهم کند. کاندیدایی را که قول می‌دهد را می‌توان به چالش کشـید و تحقق شعارها را از او خواستار شـد اما کاندیدایی که وعـده‌ای در این زمینه نمی‌دهد را نمی‌توان بعدا به چالش کشید. خوشبختانه تیم آقای کروبی این مسـاله را خوب فهمیده و مبتنی بر آن برنامه تنظیم کرده است.

■ اما کاندیدایی که هم تیم مشاورتی دارد و هم مساله جامعه را فهمیده چه تضمینی برای به ثمر رساندن وعده‌های خود دارد؟

به نظر من چنین کاندیدایی باید دو نوع قدرت داشته باشد. یکی توان افشاگری و دیگری توان تعامل. یعنی هم فشار بیاورد و هم چانه بزند.

■ اکنون عموم جریان‌ها و چهره‌های سیاسی مبتنی بر وجه سـلبی مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند. آیا این وجه سـلبی برای دعوت مردم می‌تواند تضمین‌کننده آینده هم باشد؟

به نظر من جدای از وجه سلبی رای نیاوردن احمدی‌نژاد باید به وجه ایجابی شـرکت در انتخابات هم توجه‌ای ویژه داشته باشیم. باید توجه داشته باشیم که دموکراسی با وجه سلبی محقق نمی‌شود. برای من اینکه یک کاندیدا برنامه ایجابی در زمینه تقویت جامعه مدنی داشته باشد و در عین حال توان اجرای شـعارهای خود را هم داشته باشد بسیار مهم اسـت. توجه کنید که آقای کروبـی بعد از انتخابات قبلی یک حزب تشـکیل داد و از پست انتصابی عضویت در مجمع تشخیص مصلحت اسـتعفا داد و در عین حال در پیگیری خواسته‌های مدنی چه از موضع ریش‌سفیدی و چه از موضع سیاست‌ورزی نسبت به دیگر شخصیت‌های داخل حاکمیت حساس‌تر بود و پیگیری می‌کرد. در نتیجه به نظر من حمایت از چنین کاندیدایی که هم وجه سلبی و هم وجه ایجابی در خود دارد در مقایسه با دیگر کاندیداها اولویت دارد.

■ به هرحال اکنون جریان اصلاح‌طلب و نیز برخی از جریان اصولگرا بر رئیس‌جمهور نشـدن محمـود احمدی‌نژاد در انتخابات متفق‌القول هستند و مبتنی بر این اتحادنظر مکرر می‌گویند کـه باید به میـزان رای‌آوری یک کاندیدا توجه کرد و آنکه احتمال رای‌آوری بیشتری دارد را حمایت کرد. شـما چقدر چنین تصور و رویکردی را مبتنی بر عقلانیت در تصمیم‌گیری سیاسی می‌دانید؟ چقدر میزان رای‌آوری مهم است؟

ببینیـد جامعه ایـران، جامعه‌ای متنوع اسـت و من می‌خواهم بگویم اینگونه نیست که کسانی که آقای کروبی را برای رای دادن انتخاب کرده‌اند حاضر باشند به کاندیدای دیگـر اصلاح‌طلب رای بدهنـد. این تنـوع اکنون کاملا احساس می‌شـود. در ضمن مساله امروز ما صرف شرکت در انتخابات نیسـت. ضمن احترام به کاندیداها باید تاکید کنم که کاندیدایی که شعارهای پیشروانه‌تری که چندان هم ساختارشکن نیست سـرداده برای من ارجح‌تر است. آقای کروبی شعارهایی داد و پای بیانیه‌هایی را امضا کرد که مدتی بعد کاندیداهای دیگر را دنبال خود کشید. این اقدام باید مورد توجه جامعه قرار گیرد. جامعه و گروه‌های سیاسی باید به نیروهای روشنفکر و غیرروشنفکر جامعه این حق را بدهند که بر انتخاب خود تاکید کنند. وقتی خود کاندیداها به یک سیاسـت واحد نمی‌رسند پس باید به دیگران هم اجازه انتخاب را بدهند.

■ به هرحـال رای‌آوری هـم فاکتور مهمی برای پیشـبرد آرمان‌ها و مطالبات است که نمی‌توان بر آن چشم بست؟

این درست اما به نظر من تمایل بخشی از اقوام و بخشی از روشـنفکران و نیروهای اپوزیسیون خارج از حاکمیت و نیز تشـکل‌های مدنی و دانشجویان به آقای کروبی نشان می‌دهد که آنها حاضر نیسـتند به راحتـی به کاندیدای دیگری رای بدهند. باید این تفاوت را به رسمیت شناخت چراکه روند حرکت برای انتخاب کاندیداها هم از اول روند وحدت‌گرایانه‌ای نبوده است.

■ یعنی مشخصا شما معتقدید که با صرف انصراف یکی از کاندیداها به نفع دیگری هیچ تضمینی وجود ندارد که آرای او به حساب کاندیدای دیگر ریخته شود؟

دقیقا همین است.نوع شعارهایی که داده شد خودبه‌خود تنوعی را ایجاد کرد که دیگر نمی‌توان آن را تغییر داد. اگر یکی از کاندیداهای اصلاح‌طلب کنار رود خیلی بعید است که آرای او به نفع کاندیدای دیگر ریخته شود. البته باید از تخریب کاندیداهای اصلاح‌طلب اجتناب کرد چراکه کسانی که دوسـت دارند به هرشـکل یک کاندیدای اصلاح‌طلب رای بیاورد شاید در مرحله دوم مجبور به اتخاذ تصمیمی مهم شوند.

■ البته تعریف شدن مزر تخریب و پرسـش و نقد بسـیار سخت شده تا جایی که طرح حتی یک پرسش هواداران یک کاندیدای اصلاح‌طلـب از کاندیدای دیگر خیلی سـریع با انـگ تخریب مواجه می‌شـود. با این‌همه آیا به نظر شما فضای نقد و پرسش در این انتخابات به وجود آمد یا خیر؟

خیر. حتی فضـای نقد در روشنفکران ما هم ایجاد نشده اسـت و تا وقتی روشنفکران ما نقدپذیر نباشند از سیاستمداران نمی‌توان انتظاری داشت. در همین مناظره‌های انتخاباتی همه مسائل شخصی شد. اصلا مناظره کاندیداها با هم به نظر من اشتباه است و معتقدم که تیم‌ها و مشاوران باید با یکدیگر مناظره می‌کردند. بنابراین من معتقدم که جامعه ما هنوز نقدپذیر نیست و حتی گاهی ناچار می‌شویم نقد نکنیم تا طرف مقابل سوءاستفاده‌ای از فضا نبرد. برای نقد کردن باید شرایط آماده باشد و به نظر من جامعه ایران هنوز آماده نیست.

■ شـما از برنامه‌هـای آقای کروبی حمایـت کردید و یکی از اصیل‌تریـن دلایل خود برای حمایت از ایشـان را حزبی کارکردن او در چهارسـال گذشته دانستید. از طرف دیگر اما جمعی از چهره‌ها و احزاب اصلاح‌طلب از آقای موسوی حمایـت کرده‌اند و این حمایت را نیز برآمده از خردجمعی گروه‌های اصلاح‌طلب می‌دانند و تصمیم فردی آقای کروبی برای کاندیداتوری در انتخابات را نمی‌پسـندند. چرا آقای کروبی تسلیم این خردجمعی نشد؟

بالاخـره آقـای کروبی هم از یک جمع بیـرون آمد و خردجمعی حول ایشان شکل گرفت. کاربرد این واژه باید در یک فضای درستی صورت گیرد نه اینکه با آن بازی کرد. به نظر من کسانی که چنین حرفی می‌زنند به خردجمعی اطراف آقای کروبی توهین می‌کنند و در واقع این جریان را تخریب می‌کنند. می‌شد در گذشته روند حرکت به سمت همگرایی شکل دیگری بگیرد اما متاسفانه تحت هر شرایطی قطب‌های موجود در جریان اصلاح‌طلبی به سمت همگرایی پیش نرفتند و نمی‌توان تقصیر آن را صرفا به گردن یک نفر انداخت. باید به سلیقه دیگری احترام گذاشت.

■ همانطور که شـما هم اشـاره کردید آقـای کروبی و تیم همراه ایشـان در فضای تبلیغاتی این انتخابات صف‌شکن بودند و سایر کاندیداها به نوعی روی این موج صف‌شکنی سوار شـدند و برنامه‌های خود را ارائه دادند. فکر می‌کنید که چقدر در شخص و تیم آقای کروبی برای اجرای شعارها و برنامه‌ها بعد از به قدرت رسـیدن تضمیـن و اراده وجود داشته باشد؟

تاسـیس و انتشـار یـک روزنامـه، تاسـیس حزب، پیگیری مطالبات دانشـجویان و زندانیان سیاسی و اتخاذ موضع‌گیری‌هایـی در مقابـل برخی نهادهـای قدرت آن هم از طرف شـخصی کـه خود در قدرت بوده اسـت، به واقع سـیگنال‌های مثبتی است که باید به آن توجه کرد. آقای عبدالله نوری زمانی که در مجلس ششم بود در یک سخنرانی اعلام کرد که ما همیشه یاد گرفته‌ایم از زبان دولت حرف بزنیم و هنوز یاد نگرفته‌ایم که از حقوق مردم سخن بگوییم. به نظر من آقای عبدالله نوری یک پروسـه را طی کرده بود تا به این حرف برسد. این پروسه در آقای کروبی هم تا حدی طی شده و علائم خود را نشان داده است. من آقـای کروبی را متعهد به انجام وعده‌ها و شـعارهای خود می‌دانـم. فردی که حرف می‌زند باید آن را عمل کند، اگر کاندیدای ما بعدا وعده‌های خود را عملی نکرد آن را فریاد می‌زنیم. مشارکت ما در انتخابات مشارکتی انتقادی است. ما با کسی بیعت نمی‌کنیم و با چشم باز رای می‌دهیم و در واقع رای مشروط می‌دهیم و اگر بی‌عملی دیدیم اعتراض می‌کنیم. امام علی (ع) می‌فرمایند که «گردن من در گرو حرف‌هایم است.» و راهی هم جز این نیست.

خبر

هشدار منتجب‌نیا به مسئولان

سکوت منجر به متهم‌شدن خودتان می‌شود

قائم‌مقـام حزب اعتمادملی هـدف از افترا و تهمت زدن‌ها را زیرسوال بردن هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری، خاتمی، کروبی و موسـوی ندانست بلکـه گفت: آنان می‌خواهند از این طریق نظام و انقلاب را تخریب کنند. رسول منتجب‌نیا که در همایش ایثارگران حامی کروبی سخن می‌گفت با تشریح فعالیت‌های شیخ اصلاحات در سمت‌های گوناگون از جمله مسوولیت بنیاد شهید و تلاش و مجاهدت‌ها و خدمات صادقانه ایشان در رسیدگی به امور خانواده‌های شـهدا افزود: شما فرزندان و عزیزانتان را در راه آرمان‌های امام(ره)، ثبت نظام و جمهوری، راه انقلاب، استقلال و عزت و سربلندی از دست دادید اما امروز انقلاب، اهداف و آرمان‌های نظام دسـتخوش تعرض و تعدی برخی افراد قرار گرفته است. عضو شورای مرکزی حزب اعتمادملی با بیان اینکه امـام(ره) بارها هشـدارداده بودند، نگذارید انقلاب به دسـت نااهـلان بیفتد، اظهار داشـت: امروز آرمان‌های امام(ره)، انقلاب و نظام در معرض خطر جدی قرار گرفته اسـت و اینان با تهمت زدن به معتمدین نظام، تیشـه به ریشه انقلاب زده‌اند. این روحانی مبارز با اشاره به اینکه این افراد با انقلاب و امام (ره) مشکل دارند، تاکید کرد: اگر از اینگونه رفتارها جلوگیری نشود، چند صباحی دیگر مقامات ارشـد نظام را نیز به فساد مالی متهم می‌کنند. منتجب‌نیا با اشاره به اینکه خانواده‌های شهدا و ایثارگران باید همچون گذشته این مملکت را نجات دهند، گفت: سکوت مقامات عالی نظام و قوه‌قضائیه در برابر اینگونه رفتارهای ناشایست، غیرقانونی و غیرشرعی و تعجب برانگیز است. قائم‌مقام حزب اعتمادملی تاکید کرد: کروبی تنها فردی است که می‌تواند شجاعانه با این خطر مبارزه کند.